

بررسی و تحلیل سیر کیفی و کمی محتوای آموزشی دروس باستان‌شناسی در ایران

* دکتر محمدرضا سعیدی

** دکتر احمد چایچی امیرخیز

چکیده

با گذشت یکصد و پنجاه سال از آغاز فعالیتهای باستان‌شناسی در ایران و نیز قریب هشت دهه از آغاز آموزش رشته باستان‌شناسی هنوز محتوای آموزشی دروس این رشته ماهیت کاربردی مطلوبی ندارد؛ به نحوی که دانش‌آموختگان این رشته برای فعالیتهای عملی و کسب تجربه و مهارتهای فنی و حرفه‌ای لازم نیازمند گذراندن دوره‌های کار عملی و میدانی در هیئتهای علمی باستان‌شناسی کشور هستند. همچنین رابطه این دروس با رشته‌های مختلف علوم و مرزهای دانش بشری و میزان علمی و یا روایی و ذهنی بودن آنها به قدر کافی مشخص و متمایز نشده، و گرایشهای مختلف مورد نیاز باستان‌شناسی کشور و دروس وابسته به آنها به طور کامل تبیین و ارائه نشده است. هدف از ارائه این پژوهش و نوشتار بررسی روند تحول دروس و منابع آموزشی رشته باستان‌شناسی از بدو ورود سیستم نوین آموزشی است که بر اساس آن آموزش این رشته و فراز و نشیب آن در دوره‌های پنجگانه مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها

ایران، آموزش، باستان‌شناسی، دروس باستان‌شناسی، کمیّت و کیفیت دروس

* استادیار مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان «سمت» (saeedi@samt.ac.ir)

** استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (ahmadchychi@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: 91/5/25

تاریخ دریافت: 91/2/10

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره 26، پاییز 1391، ص 60-80

مقدمه

کشور ایران در منطقه خاورمیانه قرار گرفته است که کانون تحولات مهمی در تاریخ انسان بوده و یکی از کهن‌ترین مناطق تمدن و فرهنگ بشری است. ایران از روزگاران پیش از تاریخ همواره محل سکونت و تحرک جوامع انسانی بوده و تغییرات و تحولات بی‌شماری را شاهد بوده است. در قرون جدید، نوزایی و در پی آن انقلاب صنعتی تحولات بی‌شماری را در عرصه دانش، هنر، صنعت، فلسفه و ادبیات پدید آوردند که یکی از آنها تاسیس دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی و آموزش رشته‌های گوناگون به سبک جدید بود. باستان‌شناسی یکی از این رشته‌هاست که به تدریج از اواخر قرن هجدهم به بعد به عنوان یک رشته دانشگاهی به جهان عرضه شد؛ این بدان معناست که از این دوران به بعد جمع‌آوری اشیاء تنها به منظور ذخیره ارزشها و یا ارضاء جاه‌طلبی صورت نگرفت و ایجاد بایگانیها و موزه‌ها حقیقتاً سبب پیشرفت در رشته‌های متعدد گردید. با رقابتهای دولتهای فرانسه و انگلیس در دوران ناپلئون و لشکرکشی او به مصر و اعزام دانشمندان علوم مختلف به مصر، آموزش باستان‌شناسی به عنوان یک رشته دانشگاهی وارد مرحله جدیدی شد.

در ایران این تحولات هم‌زمان با اعزام هیئتهای سیاسی و نظامی از سوی دولتهای اروپایی به کشورمان بود. این هیئتها، جز مأموریت‌هایشان، تحقیقات تاریخی - جغرافیایی و زبان‌شناختی مفصلی نیز در ایران انجام دادند؛ و نوشته‌های آنها و دیگران پشتوانه‌ای شد برای تهیه دروس اولیه رشته‌های مرتبط دانشگاهی با رشته ایران‌شناسی. لذا، سیر محتوای دروس باستان‌شناسی را، از آغاز تاکنون، می‌توان در 5 مرحله مشخص بررسی و تبیین کرد. در این پژوهش، فرضیه نگارندگان بر این اساس است که دوره‌های فراز و فرود آموزش باستان‌شناسی و نامشخص بودن دوره‌های آغازین آن بر داوری وضعیت آن در مقاطعی مؤثر بوده است؛ و تنها وضعیت کلی آن را می‌توان بر اساس تفکیک و دوره‌بندی آنها از ابتدا تا عصر حاضر مشخص نمود. اما پیش از پرداختن به بحث اصلی لازم است تا چکیده‌ای از اهمیت علم باستان‌شناسی و ارزش آثار باستانی و ضرورت آموزش باستان‌شناسی در ایران و نتایج شوم بی‌توجهی و سهل‌انگاری ناشی از ناآگاهی گذشتگان به این موضوع را یادآور شد.

منشأ و تاریخ پیدایش باستان‌شناسی کاملاً مشخص نیست، اما باستان‌شناسی به مفهوم جدید آن، یعنی به صورت علمی و تجربی و دانشگاهی، مناسبتی با مفهوم اولیه آن، یعنی حفاری در مکانهای باستانی به منظور به دست آوردن اشیاء و گردآوری آنها، ندارد. قدیمی‌ترین مدرک موجود در این باره مربوط به فرمانروایی از بابل است که به حفاری در

بناهای باستانی دست یازید تا به پیشینه آنها دست یابد، و در ضمن اشیاء به دست آمده را گردآوری کند. در قرن چهاردهم میلادی، سنت هلنا در محلی که گفته می‌شد عیسی مسیح در آنجا به صلیب کشیده شده است حفاری کرد تا آثار آن واقعه را بیابد. در دوره بیزانس مردم به میراث مادی مسیحیان علاقه نشان دادند تا جایی که قانونی به تصویب رسید که بناهایی که مزاحم دورنمای یادمانهای تاریخی هستند تخریب شوند (دارک، 1379). مثالهایی از این دست نشان‌دهنده انگیزه‌های گوناگون و تحولات فکری چندی است که با تجربه انسان در مطالعه بقایای مادی در طی قرن‌ها رخ داده است؛ به عبارت دیگر، باستان‌شناسی از گنج‌یابی و گردآوری آثار قدیمی با هدفهای گوناگون آغاز شد و پس از عصر نوزایی یا رنسانس که یکی از آثار آن باستان‌شناسی بود به دوره باستان‌شناسی و عتیقه‌پژوهی و ایجاد انجمنهای مرتبط انجامید؛ و در پی آن دوره پیشرفت نظری در ارتباط با فرضیه پردازی و تفسیر اطلاعات به دست آمده از آثار فرهنگی رخ داد.

رنسانس آغاز روشهای جدید برای ثبت داده‌های باستان‌شناختی بود. مطالعات روشمند در باستان‌شناسی در قرن 18 میلادی آغاز شد و سپس با توسعه و کاربرد فنون جدید و استفاده از روشهای علوم دیگر مانند زمین‌شناسی ادامه یافت. تا پیش از آن در حفاریها به مفاهیم اساسی مانند لایه‌نگاری و بافت زمینه‌ای توجهی نمی‌شد و آن را نادیده می‌گرفتند. سالهای نخستین قرن 19 میلادی را باید سرآغاز فعالیت‌های باستان‌شناختی در خاورمیانه و ایران دانست، گرچه این فعالیتها عمدتاً بر نوشته‌های جغرافی‌دانان و مورخان مسلمان استوار شده بود. مسلمانها از دو راه به پیشبرد رنسانس کمک کردند: ترجمه کتابهای یونان باستان به زبان عربی که در قرون 12 و 13 میلادی به زبانهای اروپایی ترجمه شد؛ و دیگر، تألیف کتابهایی مانند قانون ابن سینا و مفاتیح‌العلوم خوارزمی که یکی از پایه‌های اصلی رنسانس علمی و فکری و گرایش به دانش و علم در غرب گردید (حسین‌زاده شانه‌چی، 1377).

عبداللطیف بغدادی، مورخ و جراح مشهور و استاد دانشگاه الأزهر در قرن 13 میلادی که تحقیقات جالب توجهی در زمینه جزئیات بناها و آثار باستانی مصر دارد، به لزوم باستان‌شناسی اشاره دارد و فواید آن را از نظر اسلام و قرآن کریم برشمرده است. از نظر او آثار و بناهای تاریخی مدارک مفیدی برای گاهنگاری هستند و اشیائی که از داخل آنها به دست می‌آید شواهدی از کتاب الهی قرآن و نشان‌دهنده سرنوشت و پایداری انسان در طول تاریخ و تا حدی بیانگر روشهای زندگی و سیاست و تاریخ نیاکان و درجه غنای علوم و درجه نبوغ فکری آنهاست. کالبدشکافی و نشانه‌شناسی در طب به او کمک کرد تا درک درستی نسبت به مطالعه آثار باستانی بیابد و او از زمره کسانی است که به علمی شدن باستان‌شناسی در قرون پسین کمک شایانی کرده است (EIDaly:2005).

همان‌طور که پیشتر گفته شد، ناپلئون به همراه 167 دانشمند از رشته‌های مختلف در لشکرکشی مصر در اوایل قرن 19 میلادی شرکت داشته است که از دستاوردهای مهم آن کشف سنگ‌نوشته رزتا بود. در سالهای بعد رقابتهای باستان‌شناسی فرانسه و انگلیس در منطقه ایران اوج گرفت و فرستادگان سیاسی و نظامی به ایران اعزام شدند که علاوه بر مأموریت خود به کارهای باستان‌شناسی نیز اشتغال داشتند. متأسفانه بیشتر فعالیتهای باستان‌شناسی این دوره و پس از آن سخت تحت تأثیر اغراض سیاسی و شخصی و اهداف تجاری و استعماری قرار گرفت، و در بیشتر مواقع حفاران به عتیقه‌جویی صرف و به دست آوردن بیشترین آثار در کمترین زمان ممکن و ارسال آنها به موزه‌های خارج از کشور با حداقل هزینه پرداختند؛ و در مواردی هم دانسته و یا ندانسته به تخریب آثار و تحریف اطلاعات باستان‌شناختی و یا کوچک شمردن و نادیده گرفتن آثار تمدنی ایران و نتایج به دست آمده اقدام کردند. در سال 1883 میلادی دولت فرانسه با کمک تلوزان، پزشک و یژه ناصرالدین شاه قاجار، توانست اجازه حفاری در شهر باستانی شوش را کسب کند؛ و پس از مرگ ناصرالدین شاه، جانشینش مظفرالدین شاه در سال 1900 میلادی طی قراردادی امتیاز انحصاری کاوشهای باستان‌شناسی در ایران را به فرانسویان واگذار کرد (معصومی، 1383).

فعالیت‌های فرانسویان که طی چند دهه بر شوش متمرکز شده بود از همان ابتدا موج عظیمی از غارت آثار باستانی و تخریب لایه‌های باستان‌شناختی، و در نتیجه گسستن ارتباط اشیاء و آثار معماری در بستر تاریخی و فرهنگی خود و برهم خوردن نظم زمانی آنها را، فراهم ساخت؛ و در نتیجه برخی از آثار شاخص تمدن و فرهنگ ایران در نتیجه حرص فراوان و لجام‌گسیخته عتیقه‌جویی از میان رفت. رومن گیرشمن، باستان‌شناس فرانسوی، در مقدمه کتاب *باستان‌شناسی ایران* باستان‌نوشته لویی واندنبرگ آغاز کاوشهای علمی در ایران را از سال 1931 میلادی و کاوشهای گیلان، حصار و تورنگ می‌داند که به گونه‌ای تأییدی بر علمی نبودن کاوشها تا این دوران توسط فرانسویها محسوب می‌شود.

شروع حفاریهای باستان‌شناسی هیتهای خارجی در ایران زیان بزرگ‌تری نیز به همراه داشت، و آن آغاز کاوشهای تجاری یا به عبارتی تیله‌کنی و طلاشویی و گنج‌یابی بود که به تدریج خیل قابل توجهی از جمعیت فعال کشور را تا دو قرن به افکار بیهوده و سودای ثروت‌اندوزی سوق داد و آنها را از کار و ابتکار و اختراع و اکتشاف و چاره‌جویی برای مشکلات کشور بازداشت. نتیجه این اعمال علاوه بر به باد رفتن هویت یک ملت، پراکنده شدن میلیون‌ها شیء و اثر باستانی در مجموعه‌های شخصی و موزه‌های بزرگ دنیا بدون شناسنامه و اطلاعات بود.

در سال 1309 هجری شمسی، مجلس شورای ملی امتیاز انحصاری کاوشهای باستان‌شناسی فرانسه را در ایران لغو کرد و درهای ایران بر روی باستان‌شناسان خارجی دیگر باز شد؛ ظاهراً می‌بایست با تصویب این قانون و قانون ثبت آثار ملی و تأسیس موزه ملی ایران یا موزه ایران باستان از غارت آثار فرهنگی و تاریخی کشور جلوگیری می‌گردید، اما با عدم اعتنای باستان‌شناسان غربی به این قوانین مسابقه بزرگی برای خروج اشیای باستانی از ایران برپا شد (مجد، 1388).

سرانجام، یادآور می‌شود که باستان‌شناسی و ایجاد موزه و آرشیو علاوه بر پیشرفت علمی و تأثیر بر جهانگردی و ایرانگردی و درآمدزایی اهمیت حیاتی دیگری نیز برای کشور ما دربر دارد. کشور ایران سابقه‌ای چند هزار ساله دارد که وسعت اولیه‌اش به مراتب بیشتر از وسعت امروزی آن بوده است و گرداگرد آن را کشورهای جدیدالتأسیس احاطه کرده‌اند که ادعای ارضی بر خاک ایران دارند. عدم توجه به باستان‌شناسی می‌تواند به نادیده انگاشته شدن حقوق تاریخی ایران و همچنین تضعیف یا قطع پیوندهای فرهنگی و تاریخی با کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان منجر شود. مطالعه و سیر آموزش باستان‌شناسی در کشور را می‌توان در ادوار زیر تبیین و بررسی کرد:

دوره اول) آشنایی با باستان‌شناسی و آغاز تدریس آن در ایران

این دوره با تأسیس مؤسسات و مظاهر جدید تمدنی جدید در ایران مانند روزنامه، تلگراف و مدرسه دارالفنون یا پلی‌تکنیکی به سبک اروپایی آغاز می‌شود. تهیه نقشه تهران، راه‌اندازی اولین خط تلگراف، نقشه‌برداری از ارتفاعات و برخی فعالیت‌های زمین‌شناسی و معدن‌شناسی از اقدامات استادان و شاگردان دارالفنون بوده است (محبوبی اردکانی، 1357). نقش ایرانیان در آغاز باستان‌شناسی شناخته نشده است، اما آنچه مسلم است در این دوران گسترش تحقیقات تاریخی و جغرافیایی و یا رکود و افول آن کاملاً وابسته به دربار و دولت بوده است. به عبارت بهتر، در آشنایی و یا عدم آشنایی ایرانیان با باستان‌شناسی و انعکاس اخبار آن هم دربار ناصرالدین شاه و هم هیئتهای بیگانه مشارکت داشتند.

با توجه به اینکه وقایع‌نگاری، سفرنامه‌نویسی، انتشار روزنامه، ارائه گزارشها و تألیف کتاب و چاپ روزنامه پس از گسترش صنعت چاپ به اجازه دربار و یا شخص شاه صورت می‌گرفته است مسلماً تعداد بی‌شماری گزارش و کتاب دست‌نویس از گزارشهای مأموران ایرانی در بایگانیهای دوایر دولتی و کتابخانه سلطنتی موجود بوده که در دسترس عموم

قرار نمی گرفته است؛ البته برخی موارد نیز به صورت محدودی منتشر و عرضه می شد و در دسترس قرار می گرفت. یکی از این نمونه ها گزارش اولین حفريات شوش توسط ميرزا جعفرخان مشيرالدوله در روزنامه «وقایع اتفاقیه» است. وی عضو کمیسیون چهارجانبه ایران، بریتانیا، روسیه و عثمانی در تعیین حدود مرز ایران و عثمانی بود؛ و گزارش او به احتمال بسیار زیاد اولین گزارشی است که در خصوص کاوشهای باستان‌شناسی در ایران منتشر شده است. کنت لوفتوس (kenet Loftus) حفار بریتانیایی شوش نیز در این هیئت حضور داشت. گزارش مذکور شامل مواردی چون حفاری کاخ اردشیر و وضعیت آثار معماری به دست آمده به ویژه ستونها و سرستونها و مقایسه آن با آثار تخت جمشید و همچنین به دست آمدن سکه‌های صدر اسلام و ذکر مشخصات و ضرابخانه‌های آنهاست (روزنامه وقایع اتفاقیه 1373، 352) (تصویر 1). میرزا حسن فسایی در سال 1289 ه. ق. به تشویق ظل السلطان، والی فارس، نقشه فارس را ترسیم و پس از تکمیل آن به ناصرالدین شاه قاجار پیشکش کرد. سه سال بعد به دستور ناصرالدین شاه کتابی درباره جغرافیای فارس با ذکر وقایع اتفاقیه هر محل به نام فارس نامه ناصری تهیه کرد. وی حوادث هر سال فارس را از تاریخ گذشتگان استخراج و با جغرافیای مکانها تطبیق داد. بنابراین منبع نسبتاً مناسبی را فراهم آورد (فسایی، 1382).

میرزا جعفرخان خورموجی، ملقب به حقایق‌نگار، یکی دیگر از مورخان و پژوهشگران عصر ناصری بود که کتاب آثار جعفری را درباره تاریخ و جغرافیای فارس نگاشت که مطالب سودمندی در خصوص جغرافیای جهان و فارس، با وجود خلاصه بودن، داراست. ناصرالدین شاه او را مامور تهیه کتاب تاریخ روزگار خود به نام حقایق الاخبار ناصری کرد. وی همچنین به سال 1296 ه. ق کتاب نزهت الاخبار را درباره تاریخ و جغرافیای فارس به رشته تحریر درآورد (حقایق‌نگار، 1380).

فرصت‌الدوله شیرازی یکی دیگر از تاریخ‌نویسان عهد قاجار است که در بنیان فرهنگ نوین در ایران نقش بسزایی ایفا نموده است. او نخستین ایرانی بود که خطوط میخی را از خارجیان آموخت و جزوه‌ای با نام نحو و صرف خط آریا تألیف کرد. وی از کودکی با نقاشی آشنا بود و سپس عکاسی را نیز آموخت؛ همچنین مدتی معلم فرزند مظفرالدین شاه در تهران بود و به همین سبب لقب فرصت‌الدوله به او داده شد. او در سال 1326 ه. ق. به ریاست اداره معارف شیراز رسید و در آموزش و راه‌اندازی مدارس به سبک جدید نقش مهمی داشت. از میان آثار او آثار عجم از همه مهم‌تر است. در این کتاب او بعد از یک بررسی میدانی به بررسی و مطالعه آثار باستانی فارس و همچنین

ترجمه سفرنامه‌های قبلی پرداخته است. در این کتاب همچنین طرحها و نقشه‌هایی از تخت جمشید و سایر آثار تاریخی فارس دیده می‌شود (فرصت‌الدوله، 1362).

تاریخ و جغرافیا و زبان‌خارج به عنوان رشته عمومی برای اولین بار در مدرسه دارالفنون به همراه هفت رشته پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، پزشکی و جراحی، داروسازی و کانی‌شناسی تدریس شد؛ و این مدرسه به نوعی با تحقیقات باستان‌شناسی و تاریخ ایران مربوط گردید، به طوری که دکتر یاکوب پولاک پزشک دربار که سرپرستی اولین گروه از استادان دارالفنون را به عهده داشت مطالب نسبتاً سودمندی را در خصوص تاریخ و جغرافیای ایران در سفرنامه خود گردآوری کرد و آن را پس از پایان مأموریتش در ایران در خارج به چاپ رسانید (پولاک، 1368). دکتر تلوزان فرانسوی نیز که استاد دارالفنون و پزشک ناصرالدین شاه بود واسطه اعطای امتیاز کاوشهای انحصاری باستان‌شناسی فرانسه در ایران گردید (دیولافوا، 1355).

دارالفنون که پیشگام فعالیتهای علمی در کشور بود به زودی با دخالت کشورهای استعماری و استخدام مدرسان ایتالیایی و اغتشاش آنها دچار هرج و مرج و بدگمانی و سوء ظن شاه گردید. از جمله عوامل مؤثر دیگر در افول و رکود این مدرسه را می‌توان سپردن مشاغل و کارهای پست و بی‌اهمیت به محصلانی دانست که برای تحصیلات عالی به خارج از کشور اعزام می‌شدند؛ شرکت و دخالت اساتید مدرسه در اعطای امتیازات استعماری به دول مربوطه و جلوگیری از رشد و شکوفایی استعداد ایرانی نیز از این جمله‌اند. دست آخر و از همه مهم‌تر باید به بی‌توجهی به علوم انسانی که جایگاه مشخصی در مدرسه برای آن پیش‌بینی نشده بود اشاره کرد (آدمیت، 1385) (نصری، 1386) (صفا، 1331). با پی بردن به این نقایص و نیاز شدید کشور به تدریس دیگر رشته‌ها، بخصوص رشته‌های مربوط به ایران‌شناسی که به شدت از سوی دول اروپایی برای شناخت ایران پیگیری می‌شد و همچنین نیاز به شناخت کامل کشورهای پیشرفته و زبان و پیشینه و آداب دیپلماسی و برخورد با آنان، در سال 1278 ه. ش. مدرسه سیاسی به دستور مظفرالدین شاه و با سعی و کوشش میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه و میرزا حسن خان مشیرالملک (مشیرالدوله بعدی یا حسن پیرنیا) برای تربیت فرستادگان سیاسی و ماموران امور سیاسی برای وزارت امور خارجه تأسیس شد (تفرشی، 1370) (تصویر 2).

این مدرسه بعدها نقش مهمی در تدریس رشته‌های تاریخ و باستان‌شناسی ایفا کرد.

پذیرش شاگرد در مدرسه علوم سیاسی منوط به شناخت اصالت خانوادگی و صلاحیت اخلاقی و قبولی در آزمون ورودی و موافقت وزیر امور خارجه بود و در این مدرسه ادبیات فارسی، تاریخ قدیم و جدید جهان و ایران، جغرافیا، زبان فارسی و حقوق بین‌المللی تدریس می‌شد. با توجه به حساسیت فوق‌العاده‌ای که وزارت امور خارجه در ارتباط با منافع و امنیت کشور و نیز حقوق تاریخی آن به منظور جلوگیری از سیاستهای توسعه‌طلبانه قدرتهای همسایه داشت، تدریس آثار و تاریخ ایران در اولویت کاری این مدرسه قرار گرفت؛ و در حقیقت می‌توان افتتاح رشته باستان‌شناسی در ایران را ادامه کار مدرسه سیاسی دانست. به همین مناسبت در سال 1284 ه. ش. یعنی 7 سال پس از تأسیس مدرسه هفت جلد کتاب مسیو دومرگان درباره حفریات شوش به همراه گزارش هیئت فرانسوی از طریق سفارت برای مدرسه به دربار ارسال و در همان تاریخ اجازه مظفرالدین شاه برای تدریس کتابهای مذکور در مدرسه صادر گردید. (کریم لو 1378، 210-208) (تصویر 3).

حسن پیرنیا (مشیرالدوله) فرزند میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به سال 1250 هجری شمسی به دنیا آمد؛ و پس از تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل عازم مسکو شد و ابتدا در مدرسه متوسطه نظامی مسکو به فراگیری علوم مختلف پرداخت و رتبه اول را کسب کرد، و سپس تحصیل خود را در رشته حقوق دانشگاه مسکو ادامه داد و دوره‌های تکمیلی را با موفقیت به پایان رساند. وی پس از بازگشت به ایران در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد. او یکی از بنیان‌گذاران مدرسه علوم سیاسی بود که بعداً با مدرسه حقوق ادغام شد. پیرنیا اصلاحات زیادی در امور خارجه و عدلیه انجام داد به طوری که او را مؤسس دیوان عالی کشور در سال 1291 شمسی دانسته‌اند. او به زبانهای فرانسه، انگلیسی، عربی و روسی مسلط و با زبان یونان قدیم آشنا بود؛ و در پنجاه و هشت سالگی به منظور استفاده از زبان آلمانی به خودآموزی آن پرداخت. کار بزرگ او تالیف سه جلد از کتاب تاریخ ایران باستان بوده است. او دو بار به وزارت معارف رسید و پس از بازنشستگی عضو کمیسیون معارف شد. کتاب ایران باستان در سال 1306 منتشر شد که نخستین کتاب علمی به زبان فارسی است که بر اساس اکتشافات باستان‌شناسی به رشته تحریر در آمده است؛ و در نوشتن این کتاب از راهنماییهای دکتر هرتسفلد در دوره هخامنشی استفاده شده است. ایران باستان تا مدتها منبع اصلی رشته‌های تاریخ و باستان‌شناسی بود.

در اواخر این دوره کاوشهای درخور توجهی در ایران رخ داد که مهم‌ترین آن آغاز حفریات سیلک توسط رومن گیرشمن بود (گیرشمن، 1379)؛ اما این منبع سودمند

به زبان فارسی منتشر نشد. علاوه بر آن معدود ایرانیانی که در حفریات باستان‌شناسی شرکت داشتند به وظایف اداری پرداختند و یا به حفریات تجاری مشغول شدند که این امر حاصل علمی برای کشور دربر نداشت.

دوره دوم) تأسیس اولین گروه باستان‌شناسی در دانشگاه تهران

دانشگاه تهران در سال 1313 تأسیس شد و از همان ابتدا دارای شش دانشکده، از جمله دانشکده ادبیات، بود. این دانشکده پیش از شهریورماه 1320 شامل رشته‌های زبانهای خارجه، ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیا، باستان‌شناسی، فلسفه و علوم تربیتی می‌شد و عده فارغ‌التحصیلان آن در سال 1319 نزدیک به 100 نفر بوده است (ملک شه میرزادی 1365: 144).

از سال 1313 که قانون تشکیل دانشگاه به تصویب مجلس شورای ملی رسید، دانشسرای عالی با دانشکده‌های علوم و ادبیات توأم بود، اما از مهرماه 1334 بر اساس قانون مصوب مجلس سنا و شورای ملی دانشسرای عالی به صورت واحد مستقلی در آمد. در مهرماه 1314 رشته آثار باستان به تصویب شورای دانشگاه رسید؛ و برای به دست آوردن لیسانس آن باید 5 شهادتنامه را به دست می‌آوردند که عبارت بودند از: الف و ب) دو شهادتنامه درباره تاریخ ایران قبل از اسلام و بعد از اسلام؛ ج) شهادتنامه تاریخ عمومی؛ د) شهادتنامه آثار باستان یا علم آثار عتیقه و صنایع مستظرفه. طول مدت دوره سه سال بود و دروس به طور سالیانه ارائه می‌گردید (سالنامه دانشسرای عالی، 1315).

جدول 1 برنامه سالیانه تدریس رشته آثار باستان 1314-1315

نام شهادتنامه	تعداد	عناوین	نام معلم	ساعت کار در هفته
آثار باستان	1	صنایع مستظرفه علم آثار نقاشی	امینه پاکروان فردریک کرفتر اسماعیل آشتیانی	3 4 2
دوره عالی زبان	1	زبان	رشته زبان خارجه	-
تاریخ عمومی و تاریخ ایران	3	تاریخ عمومی تاریخ ایران قبل از اسلام تاریخ ایران بعد از اسلام تاریخ ایران بعد از اسلام	آقای شیبانی سعید نفیسی رشید یاسمی آقای ورقا	5 6 6 2

جالب توجه است که فردریک کرفتر مهندس و دستیار کاوشهای تخت جمشید معلم اصلی رشته یعنی علم آثار بود. به نظر می‌رسد با شروع جنگ جهانی دوم وسقوط پهلوی اول و بحرانهای داخلی مانند غائله جنوب تغییر چندانی در برنامه گروه به وجود نیامده باشد، اما پس از پایان جنگ عناوین دروس به 25 عنوان افزایش یافت و شامل جدول زیر گردید:

جدول 2 عناوین دروس باستان‌شناسی پس از جنگ جهانی دوم (1325-1329)

سال اول	سال دوم	سال سوم
فارسی (1)	باستان‌شناسی عمومی (2)	تاریخ صنایع ایران (3)
فارسی (2)	تاریخ صنایع ایران (2)	باستان‌شناسی ایران (2)
زبان خارجه	تاریخ تمدن ایران	تاریخ تمدن ایران (3)
باستان‌شناسی عمومی	زبان پهلوی	جغرافیای تاریخی
باستان‌شناسی ایران (1)	طرح‌سازی و طراحی	خطوط تاریخی
تاریخ صنایع عمومی	فلسفه زیباشناسی (1)	زبان اوستا و پارسی باستان
تاریخ صنایع ایران	عربی	نقشه‌برداری فنی
تاریخ تمدن	زبان خارجه	فلسفه زیباشناسی (2)
عربی		
عنوان 9	عنوان 8	عنوان 8

از مشکلات عمده این دوره، نبودن دروس عملی و برنامه بررسی و بازدید آثار باستانی و همچنین نبودن دوره‌های کارآموزی و دروس مربوط به روش کاوش و آموزش عملی باستان‌شناسی بود. یکی از معدود ایرانیانی که در کسوت آموزگار به طور مستمر در کاوشهای باستان‌شناسی شرکت داشت شادروان علی سامی بود. او ابتدا در سال 1310 در کسوت آموزگاری تاریخ مدارس شیراز درآمد، و سپس در سال 1313 به سرپرستی دانشسرای مقدماتی فارس انتخاب شد؛ وی پس از ملاقات با اریک اشمیت به کاوشهای تخت جمشید علاقه‌مند شد و در آن شرکت کرد. او به عنوان همکار و سپس سرپرست تحقیقات علمی تخت جمشید و باستان‌شناسی فارس از سال 1318 تا 1340 در کاوشهای باستان‌شناسی تخت جمشید، پاسارگاد و تپه‌های باستانی مرودشت شرکت و نظارت داشت (سامی، 1389). لویی وان‌دبرگ کاوشهای تخت جمشید را به چهار دوره متمایز تقسیم کرده است که کاوشهای سامی به آخرین دوره یعنی دوره‌ای که اداره باستان‌شناسی ایران کاوشها و مرمت آثار را به عهده داشته است، باز می‌گردد (واندبرگ، 1348).

در سال 1335 تدریس دروس تمدن هخامنشی و ساسانی دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز به او پیشنهاد شد، که تدریس این دروس منجر به چاپ کتابهای تمدن ساسانی و هخامنشی در سالهای 1341 تا 1342 گردید؛ به طوری که این دو کتاب از بهترین کتابهای دانشگاهی چاپ شده در آن زمان محسوب می‌شوند. ویژگی این کتابها در این است که نویسنده کلیه مدارک مستند تاریخی و اطلاعات باستان‌شناختی و زبان‌شناختی موجود در آن زمان را گردآوری کرده است. بنابراین، افتخار یکی از پیشرفتهای بزرگ در زمینه تدریس و آموزش باستان‌شناسی کشور نصیب یک آموزگار تاریخ می‌شود.

دوره سوم) تحولات نظام آموزشی و توسعه دروس باستان‌شناسی

در سال 1336 چهار درس باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران، باستان‌شناسی مصر، باستان‌شناسی بین‌النهرین و تاریخچه باستان‌شناسی بر دروس قبلی افزوده شد. (نگهبان، 1376: 74). در سال 1338 با تأسیس مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، و پس از آن شرکت این مؤسسه در حفاری مارلیک و به وجود آمدن کتابخانه تخصصی، تغییرات عمده‌ای در این رشته به وجود آمد؛ اما یکی از مهم‌ترین تغییرات، اضافه شدن دروس عملی یعنی بررسی و روش کاوش به مدت یک ترم به دوره تحصیلی بود؛ ضمن آنکه از سال تحصیلی 1344 نظام آموزشی دانشگاه از صورت سالانه به صورت نیمسال یا ترمی در آمد (سعیدی هرسینی، 1379: 51). ترجمه کتاب باستان‌شناسی ایران باستان به همت شادروان عیسی بهنام نقطه عطف دیگری در ارتقای سطح تدریس رشته باستان‌شناسی بود (واندنبیرگ، 1348). از دیگر کتابهای بسیار تاثیرگذار می‌توان از هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی و هنر ایران در دوره پارت و ساسانی و هنر ایران باستان نام برد که تا پایان این دوره ترجمه شدند و به عنوان منابع درسی در دسترس قرار گرفتند (گیرشمن، 1350 و پرادا، 1357). اعزام تعداد نسبتاً زیادی از فارغ‌التحصیلان رشته باستان‌شناسی به خارج از کشور برای تحصیلات عالیه به ارتقای سطح علمی این دانش و پر بار کردن محتوای آموزشی آن کمک شایانی کرد. همچنین، دروس اختصاصی و دروس پایه و اختیاری در این دوره به 100 واحد افزایش یافت و به قالب تدریس کنونی نزدیک‌تر شد (راهنمای دانشکده ادبیات، 1346). همان‌طور که پیشتر گفته شد، حفاری مارلیک در سال 1342 که با همکاری وزارت فرهنگ و هنر به انجام رسید اعتبار بسیاری برای دانشگاه به همراه داشت و موجب آغاز همکاری گروه باستان‌شناسی با وزارت فرهنگ و هنر در کاوشهای علمی

کشور شد (تحولات اخیر دانشگاه تهران، 1342: 18-19). تدریس فوق لیسانس و گنجانیدن دروس اجباری و تخصصی از دیگر تحولات این دوره محسوب می‌شود.

دوره چهارم) انقلاب فرهنگی و تغییر و بازسازی نظام آموزشی کشور

انقلاب اسلامی ایران، و همچنین آغاز جنگ تحمیلی، وقفه‌چندی در نظام آموزش عالی در کشور ایجاد کرد؛ و پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی ضرورت بازنگری و تجدید نظر در دروس و تغییر و بازسازی نظام آموزشی کشور در اولویت کاری ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفت. پس از تعطیلی دانشگاهها در مهرماه 1359، برنامه آموزشی گروه باستان‌شناسی در دو نوبت، در سالهای 1361 و 1365، به ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی برنامه‌ریزی درسی ارائه و پس از تصویب به دانشگاهها ابلاغ شد. در برنامه نخست، نظام آموزشی به صورت واحدهای نیمسال و شامل 160 واحد درسی در دو بخش دروس عمومی و اختصاصی بود؛ و 21 واحد درس پایه، 60 واحد درس اصلی، 32 واحد درس تخصصی و 8 واحد درس اختیاری برای باستان‌شناسی در نظر گرفته شد. دروس این رشته در هفت ترم و یک ترم برای حفاری ارائه می‌شد. با وجود این، مدت کارآموزی عملی به شدت کاهش یافت و کیفیت و سطح تدریس واحدهای عملی به علت کمبود امکانات و بودجه و نداشتن برنامه مصوب اداری و مالی در دانشگاهها برای کارهای میدانی باستان‌شناسی به سطح نازلی رسید؛ همین امر بهانه‌ای برای تأسیس مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی گردید که در نهایت نیز متأسفانه برچیده شد. در تجدیدنظر دروس در سال 1365 تعداد واحدهای مقطع کارشناسی به 144 واحد کاهش یافت که شامل 16 واحد دروس پایه، 68 واحد دروس اصلی، 32 واحد دروس تخصصی و 21 واحد دروس اختیاری بود (شورای عالی برنامه‌ریزی؛ 65/2/6). از نکات جالب توجه در این برنامه می‌توان به گنجانیدن درس «بررسی و تکوین و تطور تمدنهای باستانی در قرآن کریم» اشاره کرد که برای نخستین بار تدریس آن در دانشگاهها منظور می‌شد. (سعیدی هرسینی، 1379: 51-52).

با وجود تمامی موارد فوق مهم‌ترین نقش ستاد انقلاب فرهنگی در ارتباط با آموزش رشته باستان‌شناسی تأسیس دو نهاد علمی نشر دانشگاهی و سازمان سمت بوده است. مرکز نشر دانشگاهی در سال 1359 تأسیس شد و نام آن در ابتدا «کمیته ترجمه و تألیف و تصحیح کتابهای دانشگاهی» بود که زیر نظر شورای عالی، شامل سه نفر از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، کار خود را آغاز کرد. فعالیتهای این مرکز در حوزه‌های فنی و

مهندسی، ریاضی، فیزیک، شیمی، علوم زمین، علوم زیستی، علوم انسانی و کشاورزی است. نشر دانشگاهی با راه‌اندازی مجله «باستان‌شناسی و تاریخ» در دهه شصت به بهبود محتوای آموزشی دروس باستان‌شناسی کمک کرد؛ و با ترجمه و تألیف مقالات علمی توانست در دوران بحران منابع درسی، به بهبود آن یاری رساند. این مرکز در زمینه نشر کتابهای دانشگاهی رشته باستان‌شناسی نیز فعال و تاثیرگذار بوده است که از مهم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به چاپ و انتشار کتاب آغاز شهرنشینی در ایران و سه جلد کتاب تمدن و تاریخ بین‌النهرین اشاره کرد.

سازمان «سمت» یا «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» که به صورت تخصصی‌تری در زمینه علوم انسانی فعالیت می‌کند در اسفند ماه 1363 بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس شد و فعالیتهای پژوهشی خود را از نیمه دوم سال 1364 آغاز کرد. اولین کتاب درسی رشته باستان‌شناسی را این سازمان در سال 1374 چاپ و منتشر کرد؛ و بی‌تردید این سازمان بیشترین تأثیر را بر غنای منابع این رشته در دوره بعدی داشته است (فهرست انتشارات سمت، 1391).

دوره پنجم) توسعه و گسترش رشته باستان‌شناسی با تأکید بر منابع درسی

این دوره که در حقیقت به نوعی ادامه دوره پیشین است و از اواخر دهه هفتاد شمسی آغاز می‌شود شاهد رشد و گسترش باستان‌شناسی در همه زمینه‌هاست؛ از دیدگاه آموزشی، تصویب برنامه دوره دکتری باستان‌شناسی در تاریخ 74/7/30 در اواخر دهه هفتاد، مهم‌ترین تحول این دوران بوده است. همچنین، میزان فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به نحو چشمگیری افزایش یافت و تعداد گروههای دانشگاهی باستان‌شناسی در کشور از 5 گروه به بیش از 23 گروه رسید. از اوایل دهه هشتاد، با فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان مقطع دکتری در داخل و همچنین بازگشت تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری خارج از کشور (فارغ‌التحصیلان دانشگاههای کشورهای مختلف با سبکها و شیوه‌های متنوع پژوهشی) نیاز علمی مراکز آموزشی و پژوهشی تاحد زیادی بر طرف شد. مدرسان دانشگاهها با انجام کارهای پژوهشی و ارتقای دانش و رتبه، و تأسیس مجله‌های علمی - پژوهشی، منابع درسی و مطالعاتی را بیش از پیش افزون ساختند. تعداد برنامه‌های پژوهشی و کاوشهای باستان‌شناختی در کشور به میزان قابل توجهی افزایش یافت، و انبوهی از

گزارشهای علمی را فراهم آورد؛ گرچه هرگز از نظر مدت برنامه و انجام کارهای گسترده و منسجم و برنامه های حفاظتی و مرمتی به سطح دلخواه نرسید. برگزاری سمینارها و همایشها و نمایشگاههای بین المللی داخلی و خارجی و انتشار نتایج آنها منابع علمی طراز اولی را برای تدریس فراهم آورد. در زمینه استفاده از وسایل کمک آموزشی، دانشگاهها مجهز به وسایل رایانه ای و دیجیتال مانند ویدیوپروجکشن و اینترنت شدند.

با تمامی موارد ذکر شده، گام اساسی و تخصصی تر در این دوره را سازمان سمت برداشت. میزان کتابهای درسی منتشر شده در رشته باستان شناسی در این سازمان از سال 1374 تا پایان سال 1379 ده عنوان بود که این تعداد تا پایان سال 91 به حدود 60 عنوان رسید. این سازمان با هدف ایجاد بستر مناسب و تهیه و تأمین امکانات برای انجام طرحهای علمی و برنامه تحقیقاتی و یاری به پژوهشگران علوم انسانی، به گونه ای که نتایج آن قابل ارائه به پژوهشگران و دانشجویان باشد و در نهایت به تولید کتابهای مبنایی، درسی و کمک درسی دانشگاهی منجر شود، با کسب مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال 1382 مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی را بنیاد نهاد. در همین راستا و همچنین نیاز روزافزون به تجدیدنظر در دروس باستان شناسی و بهسازی کتابهای درسی، با توجه به پیشرفتهای علمی، اکتشافات و دگرگونیها، و ارتباطات جهانی و نقش تعاملات میان رشته ای در شاخه های مختلف علوم و تأمین نیازهای کشور در این خصوص و همچنین ایجاد رشته های کاربردی جدید در کشور، گروه باستان شناسی اقدام به شناسایی پژوهشگران و سفارش کتاب از برآیند کارهای آنها کرد که از میان کتابهای چاپ شده این مرکز می توان به سه کتاب روشهای تحلیل کمی در پژوهشهای باستان شناختی، روشهای پیشرفته آماری در تحلیل داده های باستان شناختی و هشت هزار سال سفال ایران اشاره کرد. البته آسیب شناسی منابع درسی رشته باستان شناسی و به خصوص کتابهای چاپ شده در سازمان سمت خود مقوله ای جداگانه است که باید با دقت و وسواس ویژه ای به آن پرداخت و در این مجال فرصت پرداختن به آن نیست.

علاوه بر این، با طرح چاپ مشترک با مراکز آموزشی و پژوهشی میدان وسیع تری برای توسعه علوم انسانی در کشور فراهم آمد. در اواسط سال 1376 ضرورت چاپ مشترک کتاب با دانشگاههای کشور مطرح شد و از سال 1377 دهها هزار نسخه کتاب با آرم مشترک سازمان و دانشگاهها منتشر گردید و در سطحی وسیع در اختیار دانشجویان و اساتید قرار گرفت. نتیجه این همکاریها عقد تفاهم نامه با مراکز آموزشی و پژوهشی و چاپ

صدها عنوان کتاب بوده است. در زمینه باستان‌شناسی با عقد تفاهم‌نامه با سازمان میراث فرهنگی کشور و موزه ملی ایران سه کتاب موزه‌داری، نگاهی به پارچه‌بافی دوران اسلامی و کتاب آرایبی در تمدن اسلامی ایران به طور مشترک چاپ و منتشر شده است. نکته جالب توجه در تألیف این کتابها استفاده از منابع طراز اول مطالعاتی در سازمان میراث فرهنگی کشور و موزه ملی ایران و پژوهشگران شاغل در آنها بوده است. سرانجام باید به ضرورت تعامل سازنده و مؤثر با جهان و حضور در عرصه‌های بین‌المللی و تهیه کتابهای مورد نیاز دانشگاههای خارج از کشور در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، به‌ویژه ایران‌شناسی، فرهنگ و تمدن اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، و باستان‌شناسی ایران اشاره شود که خوشبختانه با این رویکرد، کتاب باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد در دانشگاه مسکو به زبان روسی و به طور مشترک به چاپ رسیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پیشرفت و تحول در نظام آموزش باستان‌شناسی در کشور روندی ثابت و همیشه رو به رشد نداشته، بلکه با فراز و فرود و دگرگونیهای بسیاری همراه بوده است؛ بنابه همین دلیل نگارندگان این مقاله نه به بررسی و تحلیل تمامی جزئیات، بلکه به تحولات مهم و تاثیرگذار در آن پرداخته‌اند. به طور کلی سیستم آموزشی باستان‌شناسی در ایران را می‌توان به پنج دوره مشخص تقسیم کرد: دوره اول، هم‌زمان با آشنایی ایرانیان با باستان‌شناسی بوده است. دارالفنون و یا اولین پلی تکنیک ایران به عنوان اولین و تنها نهاد علمی و آموزشی کشور به سبک نوین در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در شهر تهران افتتاح شد و با اینکه دروسی مانند تاریخ و جغرافیا در آن ارائه می‌گردید نقش چندانی در پیشرفت علوم انسانی نداشت. با این حال یاد آوری این نکته ضروری است که دایره عتیقات که مرجع فعالیتهای باستان‌شناسی کشور در دوره قاجار و پس از آن محسوب می‌شد زیر نظر وزارت معارف فعالیت می‌کرد که خود از دارالفنون و تشکیلات وابسته به آن مشتق شده بود و متأسفانه هیچ‌گونه تولیدات علمی و یا آموزشی نداشت. از عوامل بازدارنده در توسعه باستان‌شناسی در کشور در این دوره می‌توان به نقش دربار و اعطای امتیازات انحصاری به هیئتهای باستان‌شناسی خارجی و حفاری‌های تجارتهای اشاره کرد.

در دوره مظفرالدین شاه قاجار مدرسه سیاسی در تهران گشایش یافت. این مدرسه نقش بارزی در توسعه علوم انسانی و به‌خصوص باستان‌شناسی در کشور داشت. برای اولین

بار کتابهای باستان‌شناسی کاوشهای شوش در این مدرسه تدریس شد. مدرسه بعدها تبدیل به مدرسه علوم سیاسی شد و سپس با نام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به کار خود ادامه داد. استادان این مدرسه در تدریس برخی دروس رشته آثار باستان در دانشگاه تهران شرکت داشتند. پرفسور هرتسفلد با حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، از معلمان و مؤسسان مدرسه سیاسی، در تدوین کتاب درسی و دانشگاهی آن زمان یعنی *ایران باستان* همکاری داشت، و دستیارش مهندس فردریش کرفتر کاوشگر الواح سیمین و زرین هخامنشی در تخت جمشید اولین مدرس علم آثار در دانشگاه تهران بود. صرفاً پس از خاتمه جنگ جهانی دوم بود که رشته باستان‌شناسی در دانشگاه تهران عملاً و به مفهوم واقعی شکل گرفت، و به صورت مستقل کار خود را ادامه داد؛ با این مرحله دوره دوم به پایان می‌رسد.

در دوره سوم، کمیّت و کیفیت دروس باستان‌شناسی به سطح قابل قبولی رسید و دروس اصلی بدان اضافه شد؛ همچنین دوره کارشناسی ارشد دایر گردید. اعزام اساتید و فارغ‌التحصیلان باستان‌شناسی به کشورهای مختلف جهان برای دانش‌افزایی و تجربه‌اندوزی و تحصیلات عالی از مهم‌ترین دستاوردهای این دوران محسوب می‌شود. افزوده شدن کارآموزی عملی به رشته باستان‌شناسی و شرکت دانشجویان در هیئتهای علمی و اعزامی مرکز باستان‌شناسی از مهم‌ترین دستاوردهای این دوران به حساب می‌آید. پایان این دوره مصادف با انقلاب فرهنگی و جنگ تحمیلی است که باعث تعطیلی موقت دانشگاهها شد. پس از بازگشایی، لزوم بازنگری و تجدیدنظر در دروس باستان‌شناسی از یک طرف، و دفاع از دستاوردهای کشور و جبران عقب‌ماندگی آن سبب شد تا اساتید با تلاش مضاعف به تدوین چند کتاب و تعدادی مقاله علمی همت گمارند. یکی از مشکلات تدریس در این دوره نبودن منابع درسی بود. کتابهای دانشگاهی، انگشت شمار و بسیاری از دروس فاقد کتاب و منبع بود و برخی اساتید تنها به ذکر چند صفحه جزوه در کلاس اکتفا می‌کردند. علاوه بر آن، عکس و اسلاید و طرح از آثار و اشیاء که پایه اصلی کمک آموزشی در باستان‌شناسی محسوب می‌شود در حد بسیار محدودی بود و برخی اوقات دانشجویان مجبور بودند برای دیدن یک عکس، کتاب مربوط را در کلاس دست به دست بگردانند. برخی از دروس نیز فاقد متخصص بود و این مشکل که از گذشته وجود داشت تا امروز نیز کمابیش ادامه دارد.

در تجدیدنظر دروس تحول خاصی در دروس نظری ایجاد نشد و کیفیت آموزش عملی نیز افت کرد و ارتباط دانشگاه با سازمان میراث فرهنگی که متولی فعالیتهای

باستان‌شناسی در کشور بود بسیار محدود شد؛ درحالی‌که هدف اصلی از تأسیس رشته باستان‌شناسی تربیت نیروهای ماهر و متخصص برای مطالعات میدانی بوده است. در آخرین دوره است که شاهد گسترش روزافزون باستان‌شناسی در کشور هستیم؛ و با آشکار شدن مشکلات و تغییر نیازها در کشور، تقاضا برای منابع درسی و تجدیدنظر در آثار قبلی ضروری‌تر می‌شود. بویژه با راه‌اندازی دوره دکتری در اواخر دهه هفتاد در دانشگاه‌های تربیت مدرس و تهران و تخصصی‌تر شدن باستان‌شناسی در کشور نیازها افزون‌تر می‌شود. دانشگاه‌ها ارائه واحدهای جدید و بازنگری در سرفصلها و عناوین باستان‌شناسی را در دستور کار خود قرار داده، اقداماتی نیز انجام می‌دهند که طرح و بررسی آن پژوهش ویژه‌ای را می‌طلبد.

توسعه کمی و کیفی در فعالیتهای باستان‌شناسی، طرح شدن مباحث نظری باستان‌شناسی، تحولات جدید جهانی و پیوندهای عمیق فرهنگی - هنری و دینی ایران با کشورهای همسایه و کشورهای جدیدالتأسیس در شمال ایران و لزوم طرح مباحث باستان‌شناسی در آن حوزه‌ها، از قلم افتادن مباحث باستان‌شناسی برخی حوزه‌های فرهنگی مثل منطقه لوانت (سوریه، لبنان، فلسطین و اردن)، بهره‌گیری از علوم مختلف در باستان‌شناسی و نیاز به ارائه واحدهای جدید مانند کاربرد G.I.S در باستان‌شناسی و تحلیل‌های آماری، لزوم ارائه واحدهای درسی در خصوص گرایش‌های مختلف باستان‌شناسی، و در پایان نظام‌های دوره‌بندی و گاهنگاری در پیش از تاریخ ایران و وسعت بیکران مباحث آن، لزوم تألیف و ترجمه منابع و کتابهای جدید را آشکار می‌سازد. بررسی فهرست آثار منتشر شده در سازمان سمت نشان می‌دهد که این سازمان با ارائه منابع درسی در توسعه باستان‌شناسی کشور پیشگام بوده است. البته این مدعا به معنای انکار نقش سایر مؤسسات پژوهشی و آموزشی نیست؛ و به عنوان نمونه می‌توان از نقش پژوهشگاه میراث فرهنگی و پژوهشکده باستان‌شناسی در توسعه آموزش در کشور در این دوره با چاپ و انتشار دو کتاب بسیار تأثیرگذار ایران در پیش از تاریخ و تئوری و عمل در باستان‌شناسی نام برد. اما باید توجه داشت که سازمان سمت به علت پیوستگی کار، و تداوم و برنامه‌ریزی درازمدت در انتشار کتابهای مورد نیاز کشور نقش مؤثرتری داشته است. در پایان، به جرأت می‌توان گفت که با وجود تمامی کاستیها و فراز و نشیبها، محتوای آموزشی دروس باستان‌شناسی در ایران از نظر کیفی و کمی روندی رو به رشد داشته است، اما برای کشوری با سابقه تمدن چندین هزار ساله، پرداختن بیش از پیش به آموزش و مطالعات باستان‌شناسی، ضرورتی است که نیاز به تأکید ندارد.



تصویر 1 سمت راست: بالا و پایین، طرحی از سکه صدر اسلام (به تاریخ 150 هجری قمری ضرب واسط) به دست آمده از حفاری لوفتوس در شوش در زمان ناصرالدین شاه که توسط ایرانیان مطالعه شده و در روزنامه وقایع اتفاقیه به چاپ رسیده است. سمت چپ، بازنویسی همان سکه به خط نسخ برای خواندن آسان‌تر؛ اولین حرکت آموزشی در باستان‌شناسی ایران.



تصویر 2 حسن پیرنیا و عده‌ای دیگر از مؤسسان و مدرسان مدرسه سیاسی

کتابنامه

- آدمیت، فریدون (1385). امیرکبیر و ایران. ج نهم. تهران: خوارزمی.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (1383). تلاش آزادی: محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله پیرنیا. تهران: نشر علم.
- پرادا، ادیت (1357). هنر ایران باستان. ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: دانشگاه تهران.
- پولاک، ادوارد یاکوب (1368). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان). ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) (1306). تاریخ ایران از دوران بسیار قدیم تا انقراض دولت ساسانی. جلد 2. تهران: مجلس.
- تحولات اخیر دانشگاه تهران 1340-42 (ویژه‌نامه) (1346). تهران: دانشگاه تهران.
- تفرشی، مجید (1370). «مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران». نشریه تاریخ، گنجینه اسناد، شماره 1، صص 81-53.
- حسین‌زاده شانه‌چی، حسن (1377). «اروپا و تعاملات فرهنگی و نهضت ترجمه علوم اسلامی»، فصلنامه مشکوه، ش 60 و 61، صص 63-39.
- حقایق‌نگار خورموجی محمد جعفر (1380). نزهت‌الخبار، تاریخ و جغرافیای فارس. تحقیق سید علی آل داود. تهران: مجلس.
- دیولافوا، ژان (1355). سفرنامه خاطرات کاوشهای باستان‌شناسی شوش. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
- راهنمای دانشکده ادبیات و علوم انسانی (1346). تهران: دانشگاه تهران.
- روحفر، زهره (1382). نگاهی به پارچه‌بافی در دوران اسلامی تهران: سمت.
- روزنامه وقایع‌التفاهیه (1373). جلد اول، شماره‌های 1-130. تهران: کتابخانه ملی.
- سالنامه دانشسرای عالی 1374-75 (1375). تهران.
- سامی، علی (1389). تمدن ساسانی (جلد اول و دوم). تهران: سمت.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا (1379). «نگاهی به سرفصلهای درسی رشته باستان‌شناسی». سخن سمت، سال پنجم، ش اول، صص 50-56.
- شورای عالی برنامه‌ریزی (1365). مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی باستان‌شناسی. مصوب چهل و دومین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- شورای عالی برنامه‌ریزی (1374). مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری باستان‌شناسی. مصوب سیصد و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- صفا، ذبیح‌الله (1331). تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- طلایی، حسن (1374). باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد. تهران: سمت.
- طلایی، حسن (1390). هشت هزار سال سفال ایران. تهران: سمت.
- علیزاده، عباس (1380). تئوری و عمل در باستان‌شناسی (با فصلهایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی). تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- فرصت‌الدوله شیرازی، محمد نصیر (1362). آثار عجم. تهران: انتشارات بامداد.

- فسایی، میرزا حسن (1382). *فارسنامه ناصری*. چ سوم. تهران: امیرکبیر.
- کارگر، محمدرضا و ساریخانی، مجید (1390). *کتاب آرایبی در تمدن اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- کریم‌لو، داود (1378). *تاراج میراث ملی*. ج اول هیئت فرانسوی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- گیرشمن، رومن (1346). *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیرشمن، رومن (1350). *هنر ایران در دوره پارت و ساسانی*. ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیرشمن، رومن (1379). *سیلک کاشان*. مترجم اصغر کریمی. ج اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).
- مجد، محمدقلی (1388). *تاراج بزرگ: آمریکا و غارت میراث فرهنگی ایران (1304-1320) خورشیدی*. ترجمه مصطفی امیری و گ. مادی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- مجیدزاده، یوسف (1368). *آغاز شهرنشینی در ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف (1376). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین (جلد اول: تاریخ سیاسی)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف (1379). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین (جلد دوم: تاریخ فرهنگی - اجتماعی)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف (1380). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین (جلد سوم: هنر و معماری)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محبوبی اردکانی، حسین (1357). *تاریخچه مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- معصومی، غلامرضا (1383). *تاریخچه علم باستان‌شناسی*. تهران: سمت.
- ملک شهمیرزادی، صادق (1365). «*شاره‌ای مختصر بر تحول تشکیلات باستان‌شناسی ایران*». مجله اثر (نشریه سازمان حفاظت آثار باستانی ایران)، اسفند.
- ملک شهمیرزادی، صادق (1378). *ایران در پیش از تاریخ*. باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- نصری، عبدالله (1386). *رویارویی با تجدد*. ج اول. تهران: نشر علم.
- نفیس، نوشیندخت (1380). *موزه‌داری*. تهران: سمت.
- نگهبان، عزت‌الله (1376). *مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران*. تهران: میراث فرهنگی.
- نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه (1327-1324 ق) (1370). تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نیکنامی، کمال‌الدین (1387). *روشهای تحلیل کمی در پژوهشهای باستان‌شناسی* (جلد اول: روشهای مقدماتی). تهران: سمت.
- نیکنامی، کمال‌الدین (1390). *روشهای پیشرفته آماری در تحلیل داده‌های باستان‌شناختی*. تهران: سمت.
- واندنبرگ، لویی (1348). *باستان‌شناسی ایران باستان*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: دانشگاه تهران.
- El Dalg (2005). *Egyptology: Missing Millennium: An ancient Egyptin Medieval Arabic* Writings. ucl. Press.